

سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در ج.ا.ا

محمد رضا حاتمی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۷



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

مکاتب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر تاثیر دوگانه مثبت و یا منفی مهاجرت و دیاسپورا بر اقتصاد و امنیت کشور مبداء و مقصد، اجماع و نگاهی تک ساحتی را در خصوص حضور مهاجرین برای کشورهای مقصد، مردود می شمارند از طرفی تاکید مکاتب مذکور، حضور مهاجرین و جامعه دیاسپوریک به عنوان یکی از عوامل توسعه کشور مقصد است به طوریکه بسیاری از آنها بر یکی از نحله های جدید توسعه یعنی توسعه دیاسپورا محور در کشورهای در حال توسعه اعتقاد دارند. در این راستا، حضور مهاجرین افغان که اکثراً دیاسپورای کار را تشکیل می دهند یکی از دغدغه های اقتصادی - اجتماعی ج.ا.ا در دهه های اخیر بوده که چهره تهدید/فرصتی برای سیاست های اجتماعی کشور به دنبال خواهد داشت. بنابراین و به مانند بسیاری از کشورهای مهاجر پذیر در دنیا که مهاجرت و دیاسپورا را مهندسی می نمایند، نیاز به خط مشی گذاری مطلوب در خصوص بحران مهاجرین افغان در کشور و استفاده مطلوب از این ظرفیت، ضرورتی انکار ناپذیر است. این تحقیق علاوه بر مبانی مستدل نظری در خصوص ظرفیتهای مهاجرین افغان که در ادامه مطالعات مرتبط با حوزه پژوهشی محقق در خصوص دیاسپورا و جوامع دیاسپوریک قرار دارد، ضمن تبارشناسی سیاستگذاری مهاجرت در صدد تبیین و تفسیر عرصه های تهدید/فرصت گونه مهاجرین افغان در ساختارهای اجتماعی / اقتصادی ج.ا.ا است. روش شناسی این پژوهش بر مبنای مکاتب اقتصاد سیاسی و جامعه شناسی دیاسپورا و روش تحقیق نیز تحلیلی/توصیفی می باشد.

واژه های کلیدی: مهاجرین، دیاسپورا، مهاجرین افغان، سیاستگذاری مهاجرت.

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران hatami5@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose



مهاجرت را نمی توان به یک مفهوم رایج تقلیل داد و طبعاً تبارشناسی انواع مهاجرت، می تواند سندروم امنیتی ناشی از این مفهوم را برای جوامع مهمان، کاهش دهد. نکته مهم در این تحقیق، تفکیک مهاجرت با مفهوم دیاسپورا است، چرا که دیاسپورا مفهومی سیاسی تر از مهاجرت و توسعه دیاسپورا محور (Di-asporea Centered Development) را نیز می توان یکی از ابزارهای جدید توسعه جوامع در حال توسعه نامید (Boyle & Kitchen, 2014, 17). از سوئی، مفصل بندی انواع دیاسپورا به خوبی تدقیق و مهاجرت را که به طور سنتی همیشه یک کد ناامنی برای جوامع مهمان بوده را حداقل تبدیل به صور مناسبی از فرصت های اقتصادی و امنیتی خواهد نمود. به طور مثال با توجه به افتراق قومی و مذهبی مهاجرین و مشخصاً جامعه افغان در ایران، این پژوهش بر موضوع شبکه سازی صلح برای جامعه میزبان (home land) در جامعه مهمان (host land)، تاکید زیادی خواهد نمود، یعنی قومیت های مختلف افغان در ایران و در راستای تمرین صلح، درجه بالایی از همانند سازی در (host land) برای آنها اتفاق می افتد. طبق آمارهای رسمی، مهاجرین افغان، غالب مهاجرین را در کشور تشکیل می دهند. به گفته مقامات رسمی، حدود دو میلیون و پانصد هزار مهاجر افغان را تشکیل می دهند که یک میلیون نفر از آنها در قالب طرح آمایش بوده و اغلب در استان های تهران و خراسان رضوی، ساکن هستند.

به طور کلی و از اواخر دهه ۷۰ میلادی می توان پنج موج مهاجرت را از افغانستان به ایران نام برد که تبارشناسی و کیفیت این موج های دیاسپوریک و نوع مهاجرت که از چه دسته بندی می باشند، جهت تنقیح فرضیه بسیار مهم می باشد:

- موج اول، تهاجم اتحاد جماهیر شوروی به افغانستان
- موج دوم: آغاز جنگ های داخلی در افغانستان
- موج سوم، ظهور حکومت طالبان
- موج چهارم، تهاجم ایالات متحده آمریکا به افغانستان
- موج پنجم، ظهور داعش در منطقه و قدرت گرفتن این نحله تفکر همراه با خیزش مجدد طالبان (تقسیم بندی، محقق)

تعداد مهاجرین افغان که اکثراً دیاسپورای کار را تشکیل می دهند یکی از دغدغه های امنیتی ایران در دهه های اخیر بوده است. گرچه متولیان امر همیشه اصرار بر خروج ده ها هزار نفری مهاجرین از کشور در هر سال می باشند ولی به علت ناامنی روزافزون در افغانستان و رضایت حداقلی مهاجرین، بعید

است مهاجرینی که به نوعی در ایران ولو به صورت غیر قانونی اسکان یافته اند، تمایلی به خروج از کشور را داشته باشند. بنابراین این موضوع ژانوس وار، چهره تهدید/ فرصتی برای سیاست ها به دنبال خواهد داشت. بنابراین و به مانند بسیاری از کشورهای مهاجر پذیر در دنیا که مهاجرت و دیاسپورا را مهندسی می نمایند، نیاز به خطی مشی گذاری مطلوب در خصوص بحران مهاجرین افغان در کشور ضرورتی انکار ناپذیر است.

مبانی نظری:

ظرفیت دیاسپورای افغان برای توسعه کشور مبدا:

محققین در مقالات بسیار بر ظرفیت دیاسپورا در فرآیند توسعه، قلم فرسائی نموده اند. بسیاری از محققان بر این اعتقاد هستند که جامعه دیاسپورا می تواند در مقوله های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، کارگزار توسعه باشد (nanji, 2005, 13-18). حاتمی در مقاله "سازه های متعارض دیاسپورا در کشورهای مبدا و مقصد" بر این اعتقاد است که دیاسپورا می تواند به مثابه یک هبه کننده، سرمایه گذار، شبکه دانش، به عنوان یک بازار، جذب کننده نخبگان و به مثابه سفیران صلح و آشتی نیز عمل نماید. (حاتمی، ۱۳۹۹، ۸-۳). در بعد هبه کننده، جامعه دیاسپوریک می تواند در ابعاد بازگشت ارز و خدمات انساندوستانه به کشور خود خدمت نماید (brinkerhoff, 2004). .. باید عنوان نمود که بازگشت ارز (remittance)، درآمدهای برگشتی، نوعی از منابع مالی هستند که مهاجران در کشور مقصد کسب و به طرق مختلف به کشور مبدا ارسال می کنند و می تواند همزمان فرصت تهدید برای کشور مبدا و مقصد باشد. باید عنوان نمود درآمدهای برگشتی دیاسپورا همزمان می تواند نقش صلح و تعارض را در کشور مبدا ایفاء کند (host, ۲۰۰۸). سرمایه گذاری مستقیم خارجی تسط دیاسپورا نیز تشابه کارکردی بسیاری با درآمدهای برگشتی دارد.

مطابق آمار مقامات رسمی افغانستان، جریان درآمدهای برگشتی در سال ۲۰۱۵، معادل ۳۴۲ میلیون دلار معادل ۱/۷ تولید ناخالص ملی افغانستان بوده است، گرچه بعضی از آمارها این مبلغ را معادل ۳-۷ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان می دانند.

در بسیاری از نظریات و مدل های اقتصادی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی به خصوص در کشورهای در حال توسعه از عوامل مهم توسعه محسوب می شود. دیاسپورا به مثابه بازار، جمعیت دیاسپورا به مثابه یک بازار برای کشور خود هستند و مصرف کننده محصولات نوستالژیک کشور خود



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
مجموعه دراست العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای بایمان جهان اسلام

(Agunias and newland, 2012). باید عنوان نمود دیاسپورا همیشه با کشور مبدا به دلیل انگیزه های فراوان، تعاملاتی بی حد و مرزی دارد. مهاجران غالباً، ارتباطات خود را با کشور مبدا به دلیل خاطره جمعی و نوستالژی اسطوره های کشور مبدا و آرمان سرزمین اجدادی و تعهد جمعی به حفظ، احیاء و کامیابی کشور، حفظ می نمایند (cohen, 1997, 515). دیاسپورا به مثابه سفرای آشتی، فعالین می توانند در جامعه دیاسپورا با ارتقاء مهارت های زبانی، بینش فرهنگی و..، صلح و امنیت را در کشورشان ارتقاء دهند و اهداف سیاست خارجی، دیپلماتیک و راهبردی را برای کشورشان بهبود بخشند (shain and barth, 2003). اهمیت این موضوع تا آنجاست که از پدیده دیاسپورا، محققین با عنوان "کارآفرینان سیاسی غیر دولتی" یاد می نمایند (Adamson & Demetrio, 2007). "کاتلین و همکاران" در اثر پرنفوذ خود با عنوان "ما از دیاسپورا و توسعه اقتصادی چه می دانیم، ارتباط مذکور بین دو مولفه دیاسپورا و توسعه اقتصادی" را در سه محور ذیل می داند: (Kathelen & plaza, 2013, 3)

- تجارت: یک ارتباط کامل و قابل توجه بین حضور دیاسپورا و افزایش تجارت وجود دارد. همچنین اعضای دیاسپورا ارتباطاتی را بین تولید و محصول در کشور مبدا و مقصد ایجاد می نمایند.

- سرمایه گذاری: سرمایه دیاسپورا ها به طور مستقیم در کشورشان و متقاعد نمودن سرمایه گذاران غیر دیاسپورا که همان سرمایه گذاری را انجام دهند، اعتمادسازی سرمایه گذاران در ظهور بازارهای غیر توسعه یافته در این قسمت مهم می باشد (Epstein, 2016, 5)

- مهارتها و انتقال دانش: دیاسپوراها غالباً مهارت های ارزشمند و تجاری را که می توانند کسب نمایند به کشور خود انتقال می دهند.

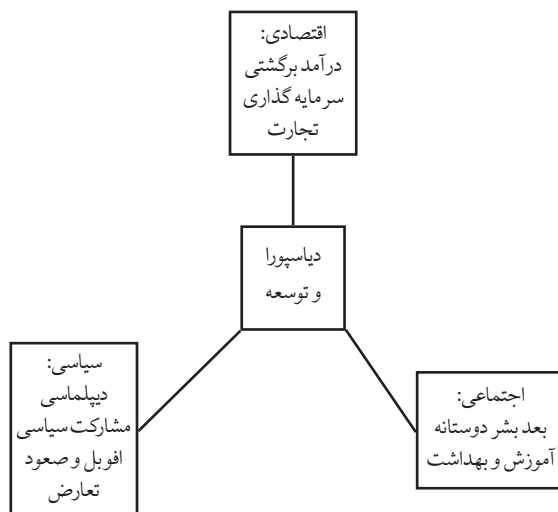
بعضی از اندیشمندان، چهار نحله مختلف سیاستگذاری در خصوص مهاجرین که در پیوند با رشد تجارت و اقتصاد کشور مبدا / مقصد باشند را به صورت ذیل دسته بندی نموده اند (Berry, 1997):

- همانند سازی (Assimilation): همانند سازی هنگامی رخ می دهد که اشکال مختلف مهاجرین با مردم محلی، ارتباط و همانند می گردند

- جداسازی (separation): جداسازی هنگامی رخ می دهد که اشکال مختلف مهاجرین با مردم محلی در تعامل و ارتباط، نباشند

- همگرانی (integration): همگرانی هنگامی رخ می دهد که مهاجرین با هردو جامعه مهاجرین و مردم محلی و جامعه مقصد در تعامل باشند. در این حالت احتمال تجارت بین المللی بین دو کشور افزایش می یابد

-حاشیه نشینی (marginalization): حاشیه نشینی هنگامی رخ می دهد که جامعه مهاجرین نتوانند با جوامع دیگر تعامل برقرار نمایند و در این صورت هیچ تجارت بین المللی ، حادث نمی گردد



اقدامات دیاسپورا در فرآیند صلح و تعارض :

با توجه به فرآیندهای فوق و نقش بی بدیل دیاسپورا در صعود و افول تعارض و نقش توان صلح سازی و تعارض آمیز ، می توان شمای کلی نقش مذکور جوامع دیاسپوریک را به شرح جدول ذیل ، تشریح نمود :

تعارضات جاری	طرفداری ، لابیینگ ، درخواست ، کمپین ، ارسال حمایت های مالی از گروه های مسلح ، الحاق به گروه های شورشی به عنوان جنگجو ، رای دادن به فرایندهای سیاسی کشور مبدأ در کشور مقصد
فرآیند صلح	تخریبگر یا حامی فرایندها ، درگیر شدن به عنوان طرف سوم ، تسهیل گر و متعهد به کشور در فرایند صلح در کشور مبدأ ، شرکت در فرایندهای صلح به عنوان مذاکره کننده
توسعه و بازساخت پسا تعارض	سرمایه گذاری ، کارآفرینی ، مشارکت در برگشت مهاجرین ، پروژه های توسعه ، حمایت از زیرساختها ، حامی کمکهای خارجی
عدالت انتقالی	لابی نمودن برای شناسائی ژنوساید ، شرکت در کمیسیونهای تحقیق ، تلاش برای صلح و آشتی

پناهندگان افغان در ایران:

تمامی مکاتب اقتصادی و سیاسی بر تاثیر دوگانه مثبت و یا منفی مهاجرت و دیاسپورا بر اقتصاد و امنیت کشور مبدا و مقصد ، اجماع داشته و بنابراین مکاتب اقتصاد سیاسی در سالیان گذشته تحلیلهای متفاوت

و بعضاً متعارضی در این خصوص داشته اند. ولی به طور کلی می توان، رویکرد و مواضع مکاتب مختلف در حوزه ی اثرگذاری مثبت یا منفی بر توسعه را نیز در دسته ذیل تقسیم نمود (شیرخانی و بایزیدی، ۱۳۹۷، ۱۰۵)

-گروه اول عمدتاً معتقد به اثرگذاری منفی خروج سرمایه انسانی بر توسعه هستند، این گروه در اقتصاد سیاسی بین الملل، عمدتاً رئالیست ها و ملی گرایان هستند. گرایش آنها مبتنی بر تشدید سیاستهای مهاجرتی برای جلوگیری از گسترش این فرایند است.

-گروه دوم، عمدتاً رویکردی لیبرال در اقتصاد سیاسی داشته و معتقد به آثار مهاجرت و خروج سرمایه انسانی بر کشورهای مبداء و مقصد هستند و دلایلی همچون افزایش سطح تخصص مهاجران، کاهش بیکاری در کشور مبداء، ارسال درآمدهای برگشتی و...، دلایل محکم این گروه هستند.

-گروه سوم، رویکرد جامع تری به پدیده مهاجرت دارند. آن ها مهاجرت را پدیده ای با آثار محتمل دوگانه بر توسعه در کشورهای مبداء و مقصد می دانند. بر اساس ایده های این گروه، مهاجرت هم می تواند باعث بهبود توسعه در کشور مبداء شود و هم باعث کاهش توسعه.

در جدول ذیل، دیدگاههای متفاوت و متعارض در مهاجرت و توسعه مشخص می گردد.

دیدگاههای متفاوت در خصوص مهاجرت و توسعه:

دیدگاه بدبین به مهاجرت	دیدگاه خوش بین به مهاجرت
ساختارگرا	کاردرگرا
نومارکسیست	نئوکلاسیک
واگرانی	نوسازی
انتقال جنوب به شمال	انتقال شمال به جنوب
فرار مغزها	بدهت آوردن مغرها
نابرابری بیشتر	برابری بیشتر
مصرف	سرمایه پولهایی برگشتی

سیر مهاجرت افغانستان به ایران گرچه به قرن نوزدهم بر می گردد ولی در دهه ۱۹۷۰ میلادی، اولین مهاجران کار افغان برای کار در صنعت نفت و گاز ایران وارد کشور شدند. البته در این دهه مهاجرینی نیز به علت موج های خشکستالی در افغانستان روانه ایران شدند.

بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۱ میلادی، مهاجرت افغانستان به ایران با انگیزه مستقیم یا غیر مستقیم ناشی



از جنگ داخلی، ناامنی، خشونت گسترده، بیکاری و تورم شکل گرفت. اشغال افغانستان توسط اتحاد جماهیر شوروی و در بازه زمانی سال ۸۰ تا ۸۹ میلادی باعث موج فزاینده ای از افغانها به ایران گردید (sanchez, 2017) که تعداد این مهاجرین را تا ۳ میلیون نفر تخمین زده اند، گرچه با عقب نشینی شوروی از افغانستان و در سال ۱۹۹۲، بالغ بر یک چهارم این جمعیت به کشورشان باز گشتند. ج.ا.ا در این بازه زمانی با استفاده از نگرش ام القرای جهان اسلام، سیاست درهای باز به سوی مهاجرین افغان را اعلام و خدمات زیادی را نیز به آنها ارائه داد (Abbasi at al, 2008, 75)، گرچه کوششهای سازمان یافته ایران برای برگشت مهاجرین افغان از سال ۱۹۹۲ شروع شد (marchend at al, 2004).

به دنبال موجهای مهاجرت مردم افغانستان پس از جنگهای داخلی در این کشور، جمهوری اسلامی ایران پذیرای بیش از یک میلیون پناهنده از این کشور بوده است. لذا آمار و کیفیت پناهندگان که در ذیل دیاسپورای قربانی و کار قرار می گیرند و مفصل بندی این پناهندگان و سیاستگذاری دیاسپورا، داده ای اساسی در بذل توجه در سیاستهای مربوط به آنها می باشد.

مطابق با امار کمیساریا، چهل درصد تمام مهاجران افغان در دنیا در ایران ساکنند به طوریکه ایران میزبان بزرگترین جمعیت پناهندگان شهری در جهان می باشد (UNCHR, 2017). به طور کلی می توان عنوان نمود آمار متناقضی در خصوص تعداد پناهندگان افغان در ایران وجود داشته که این موضوع، سیاستگذاری و سیاستهای مهاجرت در خصوص پناهندگان افغان را با چالش مواجه ساخته است.

رابین کوهن در سال ۱۹۹۷، پنج نوع مختلف از دیاسپورا را با عنوان، دیاسپورای قربانی، دیاسپورای کار، دیاسپورای تجارت، دیاسپورای امپریالیزم و دیاسپورای قلمروزدائی شده (فرهنگی) را از همدیگر و با توجه به کارکردهای آنها متمایز می کند. (kohen, 1995)

گونه شناسی کوهن از مقولات دیاسپورا: (2008.cohen)

انواع اصلی دیاسپورا	مثالهای دیاسپورا	اشارات و مفاهیم
دیاسپورای قربانی	یهودیان - آفریقانیها	خیلی از گروههای پراکنده معاصر، دیاسپورای قربانی هستند که به سرزمین اصلی خود برگشته اند و یا در سرزمین مهمان، همانند گشته اند
دیاسپورای کار	سرخیوستان به استخدام درآمده	دیاسپورای پرولتاریا بیان دیگری از این وضعیت می باشد. ترکها و چینیهایی نیز در این وضعیت قرار می گیرند
دیاسپورای امپریالیسم	انگلستان - فرانسه	دیاسپورای مردم قدرتهای استعماری که به مستعمرات رفته اند
دیاسپورای تجارت	لبنانیها - چینیهایی	دیاسپورای تجاری و سوداگری و مسافرت به کشورهای غربی
دیاسپورای قلمروزدائی شده	مردمان منطقه کارائیب	دیاسپورای مذهبی - اختلاط فرهنگی بعد از دوران استعمار بیان دیگری از این وضعیت است

امروزه و با توجه به ملزومات جهان پست مدرن و مهاجرت های ناشی از آن که با پدیده زمان ، فضا و مکان ، در هم آمیخته می توان تمامی مهاجرت ها را در این دسته بندی خلاصه نمود(حاتمی ، ۱۳۹۶ ، ۶۵-۷۰)

مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ در گزارشی تعداد مهاجرین افغانستانی در ایران را یک میلیون و ۵۸۳ هزار و ۹۷۹ نفر اعلام نمود اما به این نکته اشاره نکرده است که آیا این تعداد تنها شامل مهاجرین قانونی است یا مهاجرین غیرقانونی را نیز شامل می شود. (<https://www.amar.org.ir>) وزارت مهاجرین و عودت دهندگان افغانستان نیز اعلام کرده حدود ۲ میلیون مهاجر افغانستانی در ایران زندگی می کنند که از این تعداد، تعداد ۱ میلیون ۴۰۰ هزار نفر فاقد اسناد قانونی مهاجرت هستند. (<http://www.etilaatroz.com/27023>)

وزیر کشور جمهوری اسلامی ایران در ۲۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ در پاسخ به سوال نمایندگان ملت درباره این موضوع، تعداد کل مهاجرین افغانستانی را ۲ و نیم میلیون نفر اعلام نموده اند که از این میزان ۱ و نیم میلیون نفر به صورت قانونی و یک میلیون نفر به صورت غیر قانونی در کشور زندگی می کنند. (<http://www.tabnak.ir/fa/news/499647/25>)

رئیس وقت ستاد افغانستان وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز در مصاحبه خود با خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۱، آمار مهاجرین افغانستانی ساکن ایران را شامل یک میلیون مهاجر قانونی و دو میلیون مهاجر غیرقانونی اعلام کرده است. (<http://www.farsnews.com>).

حوزه امنیت اقتصادی :

تقریباً هیچ یافته ای را نمی توان از متون استخراج نمود که مهاجرین تاثیرات منفی را بر اقتصاد کشور میزبان دارند. مضاف بر این موضوع برگشتهای پولی از ایران با توجه به بحران اقتصادی ، تحریمها و قیمت دلار ، این فرضیه را قویاً اثبات می نماید.

از سوئی بحران هسته ای و تحریمها نه تنها بر اقتصاد کشور بلکه بر کیفیت معاش مهاجران افغان تاثیری بسزا دارد (Maloney,2015). جان ایگلند ، دبیر کل شورای پناهندگان نروژ اعلام نموده ، در حالیکه این شورا تا سال ۲۰۱۵ و قبل از آن ، مبلغ دو میلیون دلار را برای تسهیلات مهاجرین افغان اختصاص می داد ، این مبلغ در حال حاضر به زحمت به پانصد هزار دلار می رسد (AFP,2013). نماینده کنسرسیوم پناهندگان نیز اعلام داشته که حتی یک دلار را کسی نمی تواند به حساب این



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بای جهان اسلام

کنسرسیوم در راستای معیشت پناهندگان به کار برد (Sphere project, 2015). برنارد دوپله، رئیس کمیساریا در ایران، تاکید نموده است بزرگترین مشکل کمیساریا در ایران، انتقال منابع مالی از سیستمهای بانکی است (tasnim, ۲۸ June ۲۰۱۴).

با این وضعیت رئیس جمهور ایران، در ژوئای ۲۰۱۴، طی یک دستور اعلام نموده که تمامی شرکتهای و سازمانها مگر در شرایطی فقط موظف به استخدام و به کارگیری نیروهای ایرانی هستند (AL mon-itor, 28 January, 2015). غافل از اینکه مهاجرین افغان حفره های کار را در بخشهایی پر نموده اند که اتفاقاً باعث خیز صنعتی در بخشهایی مانند صنعت ساختمان گردیده اند. به طور مثال، برخی صنایع ایران که تولیدات آنها قابلیت رقابتی داشته و به جهت کیفیت و قیمت پایین، از اولویت های صادراتی کشور محسوب می گردند در اختیار نیروی کار افغانستانی هاست. از جمله در تهران، بخش قابل توجهی از کارگاه های صنعت تولید کیف و کفش در اختیار کارگران افغانستانی است. علت رقابتی بودن صنعت کیف و کفش ایران، بخشی به جهت قیمت پائین آن است و بخشی به جهت کیفیت نیروی کار. خروج برادران افغانستانی از ایران، به دلایلی که در بالا ذکر شد، هزینه های تولید را افزایش و رقابتی بودن این صنایع را از بین برده و صادرات را قطعاً کاهش خواهد داد.

در بعد مطالعات امنیتی به طور کلی و پس از افول نظریه امنیت نظامی، اقتصاد جایگاه فراگیرتری یافت. اقتصاد در هر زمانی در برگیرنده مقولات تامین کننده معاش مرد بوده است و به اموری چون منابع طبیعی، نیروی انسانی و تلاش و فعالیت بشری وابسته است. در امنیت اقتصادی، علاوه بر اهمیت وجود منابع و ثروت های خدادادی، عدالت و توزیع عادلانه ثروت میان مردم و همچنین ایجاد شغل از مولفه های مهم به شمار میروند و با این وجود و با اجرای عدالت در عرصه اقتصاد، عوامل مهم بی ثباتی و ناامنی به ویژه در بعد ملی که همان نارضایتی عمومی است از بین خواهد رفت (جمشیدیها، ۱۳۸۹، ۸۸). در حوزه اقتصاد با توجه به حضور اتباع افغانستان در ایران و نیاز آنها برای کسب و کار درآمد این حوزه بیشتر از دیگران مورد توجه ساختار سیاسی و امنیتی کشور است. از سوئی تحقیقات انجام شده در خصوص تاثیر مهاجرین بر اقتصاد در کشورهای در حال توسعه، حاکی از تاثیر مثبت مهاجرت بر اقتصاد کشور میزبان می باشد (فرهنگ، امید، ۱۳۷۵، ۳۰). مهاجرت همان طور که نحوه زندگی مهاجران را تغییر می دهد، الگوهای اشتغال و فعالیت آنان را نیز دگرگون می کند. مهاجران دستمزدهای کمتری می گیرند، ساعات بیشتری کار می کنند و تلاش می کنند با انجام کارهای سخت، درآمد بیشتری را کسب کنند و قسمت اعظم آن را نیز پس انداز کرده یا به کشور خود ارسال کنند (زنجانی، ۱۳۹۵، ۱۸۷).



از جمله پیامدهای مهاجرت را می توان کاهش فرصتهای شغلی ، افزایش نرخ بیکاری ، کمبود مسکن و افزایش نرخ اجاره بهای مسکن در بسیاری از نقاط شهری و ... دانست .

حوزه امنیت اجتماعی :

پراکنش و توزیع جغرافیایی افغانه در ایران و در شهرها باعث ایجاد "گتوها" یا جدائی گزینی هایی شده که کیان کلانشهرهایی مانند تهران ، مشهد و.. را مورد مخاطره قرار داده است. مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه و مشخصاً ایران نوعی مهاجرت اجباری ناسالم است که با آسیب و تخریب روحی و روانی اعضای خانواده های مهاجر توأم بوده است .عامل اصلی این نوع مهاجرت ، جنگ و ناآرامی داخلی افغانستان و تبعات ناشی از آن بوده است (جمشیدی ، ۱۳۸۳ ، ۴۳). چنین تجمعی باعث شده به برخی از مشکلات اجتماعی و نیز قاچاق مواد مخدر دامن زده شود . از سوی دیگر بسیاری از نارسائی های فرهنگی و آموزشی آنان در مواجهه با مردم و اجتماع شهر ، اثرات دراز مدتی بر کارکردهای اجتماعی فرهنگی خواهد داشت. تصادم شدید فرهنگی و تضادهای اجتماعی ناشی از این امر نه تنها در درون تهدید برای امنیت ملی است که خود می تواند روابط سیاسی بین ایران و افغانستان را تحت تاثیر قرار دهد. مهاجرت های بین المللی بخصوص مهاجرت های غیر قانونی دارای بازتاب ها و پیامدهای مختلف سیاسی امنیتی اند. نفوذپذیری مرزها و افزایش تردهای مرزها و افزایش تردهای غیر مجاز ، مواد مخدر ، گسترش تروریسم ، فعالیت باندهای تبهکار و مافیایی ، سوء استفاده از نیروی کار مردان خارجی و همچنین سوء استفاده جنسی از زنان مهاجر ، جاسوسی و فعالیت ضد امنیتی ، بر هم خوردن ترکیب قومی مذهبی کشور میزبان ، تهدید و تنزل منابع طبیعی و ظرفیت های زیست محیطی ، رواج بیماری های مسری خطرناک و ... بخشی از مهمترین پیامدهای سیاسی امنیتی مهاجرین به خصوص مهاجرت های غیر قانونی در عرصه بین المللی هستند (موسوی و زرقانی ، ۱۳۸۱ ، ۸).

در حوزه اجتماعی ، یک چالش عمده امنیتی مربوط به گسترش حاشیه نشینی و تغییر در بافت و ترکیب جمعیتی جامعه میزبان به خصوص روستاها و مناطق با جمعیت کم می باشد. طبیعتاً افغانها غالباً به دلیل درآمد محدود امکان زندگی در نقاط شهری را نداشت و در نتیجه غالباً در حاشیه شهرها و یا روستاهای نزدیک به شهرها ، ساکن می شوند. در نتیجه ، تراکم جمعیت در این مناطق بالا رفته ، وضعیت بهداشتی درمانی تنزل یافته ، مشاغل کاذب فزونی و بالطبع ، بزه و اعمال خلاف قانون نیز گسترش پیدا می کند.



انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای بای جهان اسلام

۱۰

سال یازدهم ، شماره اول ، بهار ۱۴۰۰

قومیت مهاجرین افغان در ایران :

قومیت	درصد قومیت در نسل اول	درصد قومیت در نسل دوم
هزاره	۳۹	۵۷/۵
تاجیک	۲۱/۲	۳۷/۵
پشتون	۸/۵	۳/۸
دیگران	۳۱/۳	۱/۳

سطح سواد مهاجرین افغان:

سطح سواد مهاجرین افغان	بازه سنی ۱۵-۲۹	بازه سنی بیش از سی سال
بی سواد	۲۹/۸	۵۵/۴
ابتدائی	۵۳/۳	۲۳/۳
راهنمایی	۱۲/۶	۵/۷
دیپلم	۳/۹	۴/۸
سواد مذهبی	۱۶/۰	۰/۶
سواد دانشگاهی	۲/۰	۱/۴

از سوئی باید پذیرفت، نیروی کار افغانستانی به جهت ویژگی های روحی و بدنی و نیز شرایط زندگی در ایران، ضمن آنکه افرادی بسیار سخت کوش و اهل کار هستند، به نسبت ایرانی ها، دستمزدهای پائین تری طلب می نمایند. انعطاف در برابر سختی کار، روحیه سخت کوشی و تلاش بالا، خستگی ناپذیری و قدرت بدنی، امانت داری در برابر کارفرما، رعایت اصول اخلاقی و رفتاری کار و بالاخره دستمزد پائین و برخورداری از یک زندگی ساده و کم هزینه، موجب شده تا امروز بخصوص در شهرهای بزرگ، اکثر کارگران حوزه ساختمان و عمران، خدمات و نظافت شهری بر عهده این عزیزان باشد. (زنگنه، ۱۳۹۸)

خروج این مهاجرین، موجب کمبود نیروی کار برای این مشاغل شده و عملاً هزینه های نیروی کار و تولید بخصوص در صنعت ساختمان و امور عمرانی، به شدت افزایش می یابد. این امر موجب رکود نسبی ساخت و ساز از سویی و تورم صنعت ساختمان و امور عمرانی خواهد گردید در شرایط فعلی اقتصاد کشور و جایگاه صنعت ساختمان به عنوان یک صنعت پیشرو، به هیچ عنوان به صلاح اقتصاد کشور نیست.

حوزه مطالعات منطقه ای :

امروز استفاده از دیاسپوراها در سیاستهای منطقه ای توسط کشورهای میزبان امری شایع و فراگیر شده که کشورها با ظرفیت دیاسپورای خود، اقدام به فرصت سازی در فرای مرزهای جغرافیایی خود می نمایند.



فصلنامه علمی - پژوهشی
مطالعات جهانی اسلام
انجمن مطالعات جهان اسلام

گزارش های متعددی از استخدام و به کارگیری نیروهای افغان در نبرد سوریه توسط ج.ا.ا گزارش شده (rasmussen,Guardian, 30 june 2016) که گرچه امارها متناقض بوده ولی مقامات ایران نیز به صورت دوفاکتو بر نقش این افراد در نبردهای منطقه ای، صحنه گذارده اند. مضاف بر این موضوع بسیاری بر این اعتقادند که بازی ج.ا.ا با پناهندگان یک چانه زنی ژئوپلیتیک برای مواردی همچون تقلیل تحریمها بر علیه ایران، بازی با کارت پناهندگان افغان و مبارزه با هزمونی منطقه ای امریکا در منطقه و مشخصاً افغانستان است (Christensen,2016,3035). با مفروض قرار دادن، نقش پناهندگان به عنوان یک سرمایه اجتماعی، باید نقش و کارکرد این سرمایه را به استخدام گرفت. سرمایه اجتماعی بین کشورهای همسایه در اقتصاد بین الملل، نقش بسزایی در شاخص های اقتصادی کشورها دارد. همین سرمایه و اعتماد اجتماعی موجب تعامل و همکاری ملت ها و دولت ها در بحران های مختلف می گردد (زنگنه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۹۸)

آثار و تبعات حضور افغانها در ایران و توصیه های سیاستگذاری:

مهاجرت افغانه به کشورهای همسایه، طی دهه های گذشته یک پدیده مهم بوده است که ناشی از ترکیبی پیچیده از تعارضات طولانی مدت، ناامنی غذایی، بلایای طبیعی و عوامل اقتصادی-اجتماعی است. از دهه ۱۹۹۰ میلادی، ماهیت مهاجرت به آرامی و به سوی آوارگی اجباری در حال تغییر بوده است. حدود ۴/۸ میلیون افغان در سال ۲۰۱۵ در خارج از کشور اقامت داشتند که شامل ۲/۶ میلیون پناهجو و ۲/۲ میلیون نفر از این افراد مهاجران اقتصادی هستند که غالب آنها در ایران و پاکستان، ساکن هستند. در حالی که موجهای قبلی مهاجرت عمدتاً از پناهندگان تشکیل شده بود، در دهه گذشته مهاجران اقتصادی به صورت دائم التزایدی نه تنها در ایران بلکه در کشورهای حوزه خلیج فارس نیز گسترده شده اند. با این اوصاف و تعمیق مهاجرت جبری پناهندگان افغانستان به ایران، عدم زیرساختهای مناسب برای رفاه آنها، فقدان نهاد متولی سیاستگذار و فقر منابع مالی و ... باعث گریده فرصت مناسبی از قبل مهاجرین افغان در حوزه های سیاستگذاری مغفول بماند.

کارگران افغان، در طول بیش از دو دهه، عرضه نیروی کار ایران را افزایش دادند، به همین جهت طی این دوره افزایش دستمزد کارگران غیر ماهر - به ویژه در بخش ساختمان که کارگران افغان در آن سهم بالایی دارند - بسیار کند بوده است. مهاجران افغان که به صورت غیرقانونی در ایران ساکن هستند، ناگزیرند کارهای دشوار را با دستمزدهایی نسبتاً پایین انجام دهند، آنها نمی توانند از شرایط بد یا ساعات طولانی



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش های بانی جهان اسلام
جمعیت ترانس آلمانی اسلامی

۱۲

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

کار شکایت کنند، از این رو بسیاری از کارفرمایان ترجیح می‌دهند که به جای کارگران ایرانی، افغانی‌ها را استخدام کنند.

در کل کارگران افغانستانی با افزایش عرضه نیروی کار، سبب کاهش دستمزد کارگران غیرماهر شده‌اند. به عبارت دیگر حضور افغان‌ها در بازار کار ایران، به نفع کارفرمایان و به زیان کارگران غیرماهر ایرانی بوده است. زمانی که دستمزد در برخی از مشاغل کاهش یابد، کارگران بومی گرایشی به آن مشاغل نشان نمی‌دهند ولی مهاجران بیشتر به سمت چنین فعالیت‌هایی می‌روند البته برخی از این مهاجران توانسته‌اند به استادکاران ماهر در کلیه امور ساختمان‌سازی تبدیل شوند. ورود و خروج غیرقانونی مهاجران، سبب پایین آمدن ضریب امنیت در مرزها می‌شود و مشکلات امنیتی و سیاسی بسیاری برای کشور ایجاد می‌کند. علاوه بر این گسترش هرج و مرج در مرزها کنترل مرزها را دشوارتر کرده و دولت می‌بایست هزینه زیادی برای تأمین امنیت این مناطق پردازد.

مسئله دیگری که ورود و خروج غیرقانونی این مهاجران به دنبال دارد این است که اغلب این افراد مخفیانه و به صورت غیرقانونی وارد ایران می‌شوند و مسئله قاچاق انسان را ایجاد می‌کنند. علاوه بر این، مهاجرت غیرقانونی به عنوان فعالیت سودآور مطرح می‌شود. مهاجرت غیرقانونی توسط باندهای تبهکار، سازمان‌دهی می‌شود. باندهای مستقر در خارج، این کار را به یک فعالیت تجاری بسیار منطقی و منظم تبدیل کرده‌اند. از جمله تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها در ایران، گسترش حاشیه‌نشینی در شهرهای مختلف است. از جمله دلایلی که باعث شده آنها حاشیه شهرها را انتخاب کنند، وجود منازل مسکونی با اجاره‌بهای کمتر از نقاط مرکزی شهر، دور بودن از قوانین و مقررات سختگیرانه حاکم در مرکز شهر، اشباع نقاط مرکزی شهر از جمعیت و... بوده است. اغلب این مهاجران به دلیل فقر به حاشیه‌نشینی روی آورده‌اند که این امر نه تنها سبب ایجاد چشم‌اندازهای نامناسب در شهرها می‌شود بلکه در این مناطق امکانات بهداشتی در سطح بسیار پایینی است که برای خود مهاجران نیز مشکلات بسیاری ایجاد می‌کند. برخی از تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها ناشی از سبک زندگی متفاوت خانواده‌های افغانستانی و ایرانی است. به عنوان مثال سن ازدواج در بین جوانان ایرانی بالا رفته، خانواده‌ها اغلب تمایل به داشتن یک یا دو فرزند دارند و علاوه بر اینها آمار طلاق در بین خانواده‌های ایرانی بالاست.

از سویی، سطح سواد مهاجران افغان را می‌توان بسیار پائین دانست که این موضوع علاوه بر آسیب بر خود مهاجرین، تهدیدی اجتماعی نیز برای سازه‌های اجتماعی کشور می‌باشد. سطح پایین سواد و آموزش و آگاهی عمومی مهاجران افغان، بی‌شک تبعات منفی بسیاری برای کشور و به ویژه شهرهایی





فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهش‌های بانی جهان اسلام

۱۴

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

که این افراد در آنجا سکونت دارند به دنبال دارد. نه تنها مسئله نداشتن تابعیت مهاجران غیرقانونی سبب بی‌سودای گسترده در بین آنها شده است، بلکه مسائلی همچون عدم تأمین امکانات تحصیل فرزندان، فقر اقتصادی و ضرورت اشتغال همه افراد خانواده و جابه‌جایی زیاد از شهری به شهر دیگر سبب شده است این گروه از مهاجران نتوانند از سواد و آموزش مناسبی برخوردار شوند. در نگاه دیگر و در بعد منطقه ای و بین‌المللی نیز می‌توان عنوان نمود، تبعات منفی حضور غیرقانونی افغان‌ها تنها به حوزه داخلی محدود نمی‌شود بلکه در حوزه بین‌المللی نیز پیامدهای منفی برای کشور به همراه داشته است. علاوه بر گزارش‌های حقوق بشری، در اغلب متون غربی نیز ایران را به نژادپرستی و سوء رفتار با پناهندگان افغان متهم می‌کنند و این در حالی است که طی سال‌های بسیاری، مهاجران افغان در کنار مسلمانان ایران با حقوقی مطلوب زندگی کرده و کشور ایران پس از تغییر شرایط و فراهم شدن نسبی زندگی در افغانستان، مهاجران افغان را به ادامه زندگی در کشور خود ترغیب کرده است. با این اوصاف و در حالیکه اکثر مقالات علمی و نگرش مردم نسبت به پناهندگان افغان منفی بوده است، مهاجرین افغان همانطور که در فرضیه مقاله نیز بر آن تأکید شده، می‌توانند عامل اصلی خیز اقتصادی در عرصه داخل و یک نهاد امنیت ساز در ورای مرزها باشند.

بعنوان نتیجه‌گیری با توجه به مطالب مذکور و متاثر از متغیرهای تحقیق در یک شمای کلی می‌توان فرصت‌ها و تهدیدهای حضور مهاجرین افغانستانی در ایران را در موارد ذیل خلاصه نمود.

ایجاد ظرفیت‌های دیپلماتیک، تقویت روابط فرهنگی و سیاسی دو کشور و تعامل با سازمان‌های بین‌المللی و اشباع بازار کار در زمره فرصت‌ها دانست و بروز بحران و آشوب‌های اجتماعی، ازدواج پناهندگان و مهاجران با اتباع ایرانی، تغییر فرهنگ کار، هزینه‌های نظامی و انتظامی مهاجرین افغانستانی و نارضایتی افکار عمومی در کشور، ایجاد زمینه فعالیت‌های زیرزمینی و غیرقانونی و پدیده رمیتنس را در زمره تهدیدات اجتماعی / اقتصادی، نام برد.

منابع:

- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، بازخوانش جغرافیایی از دیاسپورا، فصلنامه روابط بین الملل، دوره ۱۰، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۶، صفحه ۶۵-۸۱
- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶) فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، دوره ۱۰، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۹
- مزیدی، احمد و زارع شاه آبادی، علیرضا (۱۳۸۵)، دلایل حضور مهاجرین روستائی در شهر یزد و وضعیت آنها، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، ش ۷، تابستان ۱۳۸۵
- جمشیدیه، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۳)، تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغان؛ فصلنامه علوم اجتماعی. ش ۲۳
- فرهنگ، امید (۱۳۷۳)، کارگران افغانستانی سازندگان بی نام و نشان ایران، نشریه گفتگو، شماره ۱۱
- جمشیدیان، هادی (۱۳۸۰)، تبیین نظریه امنیتی امام خامنه ای، رساله دکتری رشته امنیت ملی، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عال دفاع ملی
- بوزان، باری (۱۳۹۶). مردم، هراس و دولتها. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران. انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- روشندل، جلیل (۱۳۹۵)، امنیت ملی و نظام بین الملل، انتشارات سمت. تهران
- شیرخانی و بایزیدی (۱۳۹۷)، مهاجرت سرمایه انسانی و توسعه: مقایسه ایران و ترکیه، رهیافت های سیاسی و بین المللی، زمستان ۱۳۹۷
- شهرام نیا، امیر مسعود و اسکندری، مجید (۱۳۸۸)، ابعاد، ریشه ها و پیامدهای فرار مغزها از پیرامون به مرکز، ره آورد سیاسی، تابستان ۱۳۸۸، سال هفت، شماره ۲۴ و ۲۵، فروردین و اردیبهشت
- هادی زرقانی و موسوی زهرا (۱۳۹۵)، مهاجرت های بین المللی و امنیت ملی، فصلنامه مطالعات راهبردی، بهار سال ۹۸، شماره ۱۷

انگلیسی:

- Shain, Y. & A. Barth (2003), 'Diasporas and international relations theory', International Organization 57 (3): 449-479.
- Khayati, Khalid. 2008a. "From Victim Diaspora to Transborder Citizenship? Diaspora Formation and Transnational Relations among Kurds in France in Sweden." PhD Thesis, Linköping Studies in Arts and Science, No. 435, Linköping University.
- Herbele, R (1938), the cause of rural -urban migration :a survey og german theories, ameracan journal of sociology, no43
- Fawcett, T. James et al (1982) reson for development, vol.10, no 4
- Kthleen, N & Sonia Plaza (2013), what we know diaspora & economic development. Policy rief journal. Migration policy institute



- Garrote-Sanchez(2017), International Labor Mobility of Nationals: Experience and evidence for Afghanistan at macro level, Social Protection and Labor Global Practice, Washington, DC, when the initial draft of the paper was written
- Gil S. Epstein(2016),The Formation of Networks in the Diaspora, Tel-Aviv-Yaffo Academic College
- and IZA, Discussion Paper No. 9762
- February 2016
- Janne Bjerre Christensen, (2016),GUESTS OR TRASH, Iran's precarious policies towards the Afghan refugees in the wake of sanctions and regional wars, Danish Institute for International Studies,120
- Abbasi-Shavazi, M.J.; Glazebrook, D.; Jamshidiha, G.; Mahmoudian, H. and Sadeghi, R().Second Generation Afghan in Iran: Integration, Identity and Return, Afghanistan and Research Evaluation Research
- Brinkerhoff, J.M. (2011), "Diasporas and conflict societies: conflict entrepreneurs, competing interests or contributors to stability and development?" Conflict, Security & Development, Vol. 11 No. 2, pp. 115-143.
- Agunias, D.R. and Newland, K. (2012), Developing a Road Map for Engaging Diasporas in Development, IOM.
- De Haas, H. (2007). Remittance, Migration and social development, A Conceptual Review of the Literature, United Nations Research Institute. For Social Development
- Mark Boyle and Rob Kitchin(2017), Diaspora-Centred Development: Current Practice, Critical Commentaries, and Research Priorities, Department of Geography/National Institute for Regional and Spatial Analyses , National University of Ireland Maynooth , Kildare , Ireland

منابع اینترنتی:

- UNHCR (2017a) Global trends: Forced displacement in 2016. UNHCR, Geneva <http://www.unhcr.org/5943e8a34>. Accessed 18 Dec 2017
- UNHCR (2017b) UNHCR Afghanistan Voluntary Repatriation Monthly Report, June2017
- . UNHCR, Kabul <https://data2.unhcr.org/en/documents/download/59085>. Accessed 4 May 2018



فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام
جمعیت‌تراسات‌العلم الاسلامی

۱۶

سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۴۰۰

UNHCR (2017c). Update on

- <https://www.amar.org.ir/Portals/0/census/1395/results/tables/jamiat/tafsili/kol/2-jamiat-k.xls>

- <http://www.etilaatroz.com/27023>

- <http://www.tabnak.ir/fa/news/499647/25>

- <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=13910422000350>

- <http://www.icana.ir/Fa/News/354415>

DOI: ۱۰.۳۱۸۵۹/priw-۱۱۰۱۰۱

به این مقاله این گونه ارجاع دهید:

حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۹)، «سیاستگذاری مطلوب مهاجرت و حضور مهاجرین افغان در ج.ا.ا» فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان

اسلام، س ۱۱، ش ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۱۷-۱.



فصلنامه علمی - پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام